

مساجد و نیازهای معنوی جوانان

جایگاه ویژه و والای مسجد در میان مسلمانان، بر کسی پوشیده نیست؛ همه می دانیم که مقدس ترین مکان ها مسجد است. گر چه مساجد دارای مراتب هستند و از همه مهم تر مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ است؛ اما تمام مساجد از قداست ویژه ای برخوردار و دارای احکام مخصوصی هستند.

این اهمیت و قداست از همان صدر اسلام و آغاز هجرت، به وسیله خاتم رسولان ﷺ به مسلمانان آموخته شد، تا آنجا که به گفته آن حضرت، دو رکعت نماز خواندن در نخستین مسجدی که به دست پیامبر ﷺ بر پا شد (مسجد قبا) پاداش و ثواب یک عمره را دارد. مسجد از همان آغاز، مرکز اجتماع مردم و بستر اندیشه سازی و اندیشه پروری بوده تا انسان را به هدف خلقت و رساندن به کمال برساند.

کارکردهای مسجد در زمینه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی در طول تاریخ، نشانگر اهمیت و کارساز بودن مساجد است، و از سوی دیگر، جوان که در بهار عمر خود به سر می‌برد، در دوران بسیار حساسی قرار گرفته که آن را ایام پرشور و طوفانی و اوج خواسته‌های گوناگون بشری می‌توان نامید؛ و گاهی از این دوران به مستی شباب تعبیر کرده‌اند. نیازهای انسان در مراحل گوناگون عمر - به ویژه در روزگار جوانی - برخی مادی است و برخی معنوی، که هر کدام جای بحث و بررسی دارد. نیازهای معنوی مانند: نیاز به نیایش و پرستش، نیاز به علم و دانش و نیاز به فضایل اخلاقی که باید برای آنها فکری بکند و از مسیر صحیحی آنها را بر آورده سازد.

از این رو، افزایش نقش مساجد در ایجاد و تقویت و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی، موضوعی است که باید مورد توجه بیشتر قرار گرفته و دست اندرکاران و اندیشمندان اسلامی راهکارهای مناسب و اساسی را در این زمینه فراهم آورند. به هر اندازه که فعالیت‌ها و کارکردهای مساجد از تنوع بیشتری برخوردار باشد، زمینه جذابیت افزون‌تر فراهم خواهد شد و نیازهای معنوی جوانان را بهتر برآورده خواهد ساخت.

این نوشتار، دربردارنده نیازهای معنوی جوانان و نقش مساجد در برآورده ساختن آن می‌باشد.

نیازهای جوان

در تعریف جوانی، که بهار عمر آدمی است - برخی از روان‌شناسان سال‌های ۱۸ تا ۳۰ سالگی و برخی دیگر سال‌های ۲۰ تا ۴۰ سالگی را دوران جوانی می‌دانند. دورانی پر ماجرا که همراه بلوغ کامل و آشنایی کامل‌تر با فکر منطقی است و از ویژگی‌های این دوره اقدامات جدی‌تر برای مقابله با دلواپسی، آشنایی بیشتر با تکالیف، مسئولیت اخلاقی، عضویت در اجتماع و ... می‌باشد. نیازهای آدمی به طور عمده شامل نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه است؛ نیازهای اولیه یا فیزیولوژیک عبارت‌اند از: نیاز به آب، غذا، اکسیژن، خواب و برخی نیازهای غریزی دیگر که به طور معمول میان انسان و حیوان مشترک می‌باشد.

نیازهای ثانویه، عبارت‌اند از: نیاز به ایمنی، نیاز به ابراز وجود، نیاز به داد و ستد عاطفی، نیاز به پیشرفت و موفقیت، نیاز به معناجویی، و نیاز به شکوفایی.

در صورتی که این نیازها به خوبی تأمین شود، افزون بر آرامش درونی، حس اطمینان به دیگران نیز رشد نموده و رویکرد مثبتی نسبت به دنیا در آدمی پدید می‌آورد. بدیهی است این آثار، زمانی تحقق می‌یابد که در نخستین مرحله، جوان به درستی نیازهایش را بشناسد.

صاحب‌نظران، در زمینه «نیازهای معنوی»، گرایش‌های فطری انسان را شامل حقیقت جویی، فضیلت خواهی، عشق و پرستش، تمایل به زیبایی و خلاقیت می‌دانند؛ به این معنا که آدمی از درون نوعی تمایل به پدیده‌های مذکور، در خود احساس می‌کند، بی‌آنکه از عوامل بیرونی آنها را کسب کرده باشد.

دوران جوانی، ارزنده‌ترین دوران‌های زندگی است و مسئولیت جوانان در این ایام پر ارج و زود گذر، بسیار سنگین است. در این دوران، شخصیت جوان ساخته می‌شود و سرنوشت آینده‌اش پی‌ریزی می‌گردد. در این ایام، جوان برنامه زندگی را طرح نموده، آزادانه تصمیم می‌گیرد و خط مشی خود را تا پایان عمر انتخاب می‌نماید.

برای آنکه جوانان در انجام این مهم موفق شوند و از مسیر صحیح منحرف نشوند، باید از برنامه جامع و کاملی پیروی نمایند که در همه شئون مادی و معنوی، راه صحیح و نا صحیح را نشان داده، روا را از ناروا تمیز دهد و در تمام جلوه‌های زندگی راهنمای آنان باشد و به همه نیازمندی‌هایشان با واقع بینی پاسخ دهد.

خوشبختانه آیین مقدس اسلام، چنین برنامه آموزنده و جامعی را در بر دارد و اساس «خوشبختی» همه طبقات مردم را در تمام شئون زندگی بیان کرده است. دین اسلام درباره عقاید و افکار، اخلاق و اعمال، و دیگر اموری که در تأمین سعادت مردم مؤثر است، سخن گفته و پیروان خود را به شایستگی رهبری نموده است.

جوانان مسلمان با پیروی از آیین اسلام و به کار بستن برنامه‌های آن، می‌توانند شخصیت خود را به شایستگی بسازند و زمینه سعادت خویش را در تمام عمر فراهم آورند، اما برای رسیدن به این هدف بزرگ باید در قدم اول، دین را به معنای واقعی‌اش شناخته و آموزه‌های اسلامی را به درستی فرا گیرند و برنامه‌هایش را آگاهانه اجرا نمایند.

جوان و مسجد

موضوع «دین شناسی» در آموزه‌های دینی مورد توجه فراوان قرار گرفته و اولیای گرامی اسلام در سخنان خود از شناخت دین به «تفقه در دین» تعبیر کرده‌اند. جوانان وظیفه دارند که از همان آغاز جوانی در کسب دانش دینی تلاش کنند. هر جوانی که از انجام این وظیفه سر باز زند و در پی شناخت دین نرود، مورد نکوهش اولیای اسلام قرار گرفته و سزاوار مجازات است.

در این زمینه به برخی از روایات اشاره می‌کنیم.

امام باقر^{علیه السلام} فرمود: «لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَأَوْجَعْتُهُ»^۱ اگر جوان شیعه‌ای را نزد من آورند که در راه آگاهی دینی گام بر نمی‌دارد، او را به کیفر سختی می‌رسانم. امام صادق^{علیه السلام} فرمود: «لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَأَذَبْتُهُ»^۲ اگر یکی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که وظیفه خود را در شناخت دین انجام نمی‌دهد، او را ادب می‌نمایم.

آدمی در پرتو شناخت دین، عقاید صحیح را از خرافات تشخیص می‌دهد، فضیلت‌های اخلاقی را از رذیلت‌ها می‌شناسد، و خوب و بد را در کارها درک می‌کند. آگاهی دینی به معنای شناخت راه سعادت بشر در تمام شئون مادی و معنوی است. شناخت دین به طور جامع و کامل، شالوده‌رشد و تکامل انسان و عامل رسیدن به درجات بالای انسانیت است.

مسجد در تاریخ اسلام سابقه زیادی در امر آموزش دارد؛ به طوری که با آغاز ظهور اسلام همراه بوده است و پس از رحلت پیامبر نیز مسجد النبی در مدینه و مسجد الحرام در مکه و دیگر مساجد، مرکز نشر معارف دینی و دانش‌های گوناگون بوده است، تا آنجا که مدارس پیشرفته‌ای که بعدها در کشورهای اسلامی تأسیس شد، از نظر معماری تحت تأثیر شکل و فرم مساجد به وجود آمد.

در حقیقت بنای مسجد النبی ﷺ تنها یک عبادتگاه نبود بلکه به گواهی مورخان و محققان و حتی خاور شناسان، پی ریزی یک «مدرسه بزرگ اسلامی» بود. کشورهای اسلامی از آغاز اسلام تا چند قرن پس از آن، با پدیده‌ای به نام مدرسه روبرو نبودند.

بنابراین مساجد در راستای بر آورده ساختن نیازهای جوانان، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. در اینجا به دو کارکرد مهم این پایگاه و مکان مقدس می‌پردازیم.

۱. مسجد و نیایش

برخی از صاحب نظران پیرامون ویژگی‌های دوران جوانی، مطالب گوناگونی بیان کرده‌اند که یک بخش آنها به بیماری‌های این دوران ارتباط دارد؛ از باب نمونه به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) افسردگی: یکی از شایع‌ترین بیماری‌هایی که امروزه در دنیا مشاهده می‌شود، افسردگی است که مانند سرما خوردگی رواج دارد و می‌توان گفت: افسردگی، شایع‌ترین بیماری قرن است. برای این بیماری چند علامت را ذکر کرده‌اند:

۱. از بین رفتن هر نوع علاقه به زندگی؛ خیال می‌کنیم که زندگی بوج و هیچ است و باید مرد! از خود می‌پرسیم: تلاش برای چه؟ زندگی برای چه؟ هیچ انرژی حیاتی در خود احساس نمی‌کنیم.

۲. اختلال خواب؛ اگر خواب شما نسبت به عادت همیشگی به مدت یک ماه تغییر کرد، مثلاً دیر می‌خوابید، یا زود بر می‌خیزید. این آغاز یک داستان (بیماری) است!

تمام بیماری‌های جسمی و روانی، با اختلال خواب آغاز می‌شوند. بسیاری از مردم سال‌ها است که به افسردگی مبتلا هستند و معالجه نمی‌کنند.

۳. گریه بی علت؛ آسان گریستن، علامت افسردگی است؛ ولی آسان خندیدن، علامت سلامتی ماست. البته سفارش بر این است که به آسانی خنده بسیار نداشته باشید، قاه قاه نخندید، لبخندی بزنید! اگر شما آسان گریه می‌کنید، افسرده‌اید!

۵. احساس خستگی؛ همیشه احساس خستگی ناشی از یک کار سنگین را دارید، بی‌آنکه کار سنگین انجام داده باشید. اگر این احساس را صبحگاه - وقتی که از خواب بیدار می‌شوید - دارید، این احساس، علامت افسردگی شما است. اگر افسردگی پیشرفت داشته باشد، تمایل به خودکشی هم وجود خواهد داشت!

ب) اضطراب؛ آشوبی بدون دلیل، احساس نامطبوعی را در وجود انسان تولید می‌کند. اگر امتحانی پیش رو، یا ملاقات حساسی در پیش دارید و در دل خود آشوب دارید، عادی است. اما اگر آشوب بی‌عنت باشد، علامت اضطراب است که باید آن را فوراً معالجه نمود. علامت شایع آن، این است که می‌گویند: «گویا کسی در دل ما نشسته، رختی می‌شوید و همراه با این چنگ زدن دل، احساس می‌کنیم که اتفاق بدی رخ خواهد داد».^۳

برای رهایی از این دو بیماری مهم، باید کاری کنیم و به جایی پناه ببریم که به ما «آرامش» بخشیده و ما را به آن موجودی که ژرفای دل در پی اوست، برساند. آن جایگاه اثر بخش، مسجد و آن عمل آرامش آفرین، نماز و نیایش است که یاد خدا را به همراه دارد و یاد او نیز آرام بخش دل‌هاست.

آری! یکی از کارکردهای مسجد، کارکرد عبادی است. در مکتب اسلام اهمیت و جایگاه عبادت خداوند، به حدی است که در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ «جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

بنابراین هدف نهایی از آفرینش انسان، عبادت است؛ از این رو تمام زندگی انسان باید رنگ عبادی داشته باشد. و در جای دیگری می فرماید:

﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^۵ «مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».

بدین جهت، خداوند متعال به ساختن مسجد امر می کند و مکانی را برای آسان سازی ارتباط با بندگان خود قرار می دهد؛ نام مسجد خود گواه بر این سخن است؛ زیرا مسجد یعنی جای سجده و کرنش در پیشگاه معبود واقعی و خداوند بزرگ. مسجد، جایگاه نماز و راز و نیاز و تقرب جستن به خدای متعال است.

بارزترین کارکرد مسجد، نقش نیایشی آن است، گر چه کارکردهای گوناگون دیگری هم داشته و دارد.

نماز که زیباترین جلوه عبادت و نیایش با خداوند است، به شکلی کارسازتر و به صورت جماعت مورد سفارش جدی و تأکید فراوان در فرهنگ اسلام است و پرجاذبه ترین و باشکوه ترین نمازها در مساجد برگزار می گردد.

افزون بر نماز، مراسم عبادی دیگری مانند: دعا و نیایش در زمان های ویژه (دعای کمیل در شب جمعه، دعای ندبه در صبح جمعه، دعاهاى مخصوص ماه رجب، شعبان، رمضان، مراسم اعتکاف، شب های قدر) و قرائت قرآن کریم، در مساجد بر قرار می باشد.

«دعا» وسیله تقرب و نزدیکی بنده با پروردگار، آفریده با آفریدگار است. دعا، زمینه ساز آرامش روح و روان انسان است. دعا، آدمی را به یکتا پرستی و دوری از شرک می کشاند.

بر اساس فرازی از یک حدیث قدسی که پیامبر ﷺ نقل کرده، خداوند مسجد را زیارتگاه خویش بر شمرده و فرموده است:

«أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي؛^۶ خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت کند».

این زیارت و انس و ارتباط، در سایه عبادت خالصانه افراد با ایمان صورت می‌پذیرد و آن چنان فضایی نورانی فراهم می‌سازد که برای عرشیان پرتو افکنی می‌کند. در فراز دیگری از حدیث چنین آمده است:

«أَلَا إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛^۷ همانا خانه‌های من در زمین که مساجد است، برای اهل آسمان نور افشانی می‌کند، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین نور می‌افشانند».

از این رو باید از یک سو، مساجد ما به عنوان بهترین پایگاه عبادت و نیایش با معبود، در راه رساندن قشر جوان به این هدف مهم و تقویت بعد عبادی و نیایش، هر چه پر جاذبه‌تر بوده و شرایط مطلوب‌تری داشته باشند، و از سوی دیگر، جوانان برای یافتن پاسخی مناسب به این ندای فطری، از مساجدی که در دسترس آنان است، حداکثر بهره را برده و از مراسم عبادی بیشتر بهره‌مند گردند.

بی‌جهت نیست که نسبت به ساختن و بنای مسجد، تعظیم و احترام مسجد، بهداشت و نظافت مسجد، پاداش آمدن و حضور در مسجد، و توجه و یاد خدا در مسجد، تأکید و سفارش فراوان شده است!

۲. مسجد و آموزش

یکی دیگر از کارکردهای مسجد، کارکرد آموزشی و فرهنگی آن است. این موضوع وقتی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که ما «تعلیم» را یکی از جنبه‌های مهم رسالت پیامبر ﷺ بشناسیم؛ موضوعی که به گواهی قرآن، پیامبر برای انجام آن برانگیخته شده است؛ چنانچه در آیه‌ای مشهور، به آن اشاره نموده و فرموده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱ «او کسی است که در میان مردم درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

این رسالت را پیامبر اعظم^ﷺ از مسجد آغاز نمود و آن مکان مقدس را علاوه بر عبادت و نماز و نیایش، پایگاه مهمی برای آموزش علم و دانش قرار داد.

از این رو نخستین پیام وحی، «علم‌آموزی» و حضرت محمد^ﷺ، اولین معلم اسلام و مسجد، مهم‌ترین پایگاه معنوی مسلمانان شد.

آن حضرت نه تنها پس از نماز جماعت برای مردم سخنرانی می‌کرد، بلکه کلاس‌های آموزشی را در اوقات گوناگون تشکیل می‌داد، در راستای این هدف، مباحث اعتقادی و مبانی دینی و ایمان به خداوند بزرگ، در شمار اولین مسائلی بود که به مسلمانان - به ویژه آنان که تازه به آیین اسلام گرویده بودند - آموزش داده می‌شد.

آری، پیامبر^ﷺ در مسجد خویش آیات قرآنی، احکام، معارف دینی و حتی مسایل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. شواهد نشان می‌دهد که این جلسات پس از نمازهایی چون: نماز صبح و شام - که افراد زیادی در مسجد حضور داشتند - بیشتر برگزار می‌شده است. شور و نشاط فراوانی در حفظ و ثبت مطالبی که رسول خدا^ﷺ بیان می‌فرمود، در میان شنوندگان وجود داشت؛ بعضی از افراد که به دلیلی در این جلسات حضور نمی‌یافتند، به دیگران سفارش می‌نمودند تا گفته‌های آن حضرت را در فرصت مناسب برای آنان بازگو نمایند.

فعالیت‌های آموزشی مسجد پیامبر در غیاب آن حضرت و هنگامی که ایشان در میدان‌های نبرد حضور می‌یافتند، تعطیل نمی‌شد؛ بلکه افرادی چون: «عبدالله بن مکتوم» و «عبد الله بن رواحه» اداره امور مسجد را بر عهده می‌گرفتند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کوشش می‌نمود تا دامنه این تلاش‌های آموزشی به دیگر مساجد نیز کشانده شود؛ بر پایه شواهد تاریخی، مسجد «قبا» نیز دارای شور و نشاط علمی و فعالیت‌های فرهنگی بوده است. آن حضرت در برهه‌ای از زمان «معاذ بن جبل» را که یک چهره علمی به شمار می‌آمد، به امامت آن مسجد منصوب نمود.

پیشوای گرامی اسلام به منظور گسترش علم و دانش، نه تنها پیروان خود را به تشکیل کلاس درس و مجالس بحث تشویق می‌نمود، بلکه شرکت در مجلس علم را از نظر معنوی و قداست روحانی، برتر از حضور در مجلس دعا می‌دانست. در حدیثی آمده است:

«خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ: مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ: كَلَّا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَيَّ خَيْرٌ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَفْقَهُونَ الْجَاهِلَ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ، بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ»^۱ روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کرد که در مسجد دو جلسه تشکیل شده است؛ یکی، مجلس علم است که در آن پیرامون معارف اسلامی گفتگو می‌شود و دیگری، مجلس دعا و نیایش که در آن خدا را می‌خوانند. حضرت فرمود: هر دو مجلس به کار خیر و نیک می‌پردازند، آن گروه دعا می‌کنند و این گروه درس می‌خوانند و افراد جاهل را آموزش می‌دهند، و این گروه علمی برتر و بالاترند، من برای تعلیم مردم برانگیخته شده‌ام، آن گاه با آنان در مجلس علم نشست».

پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالأنوار، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱۷.

۲. همان، ح ۱۶.

۳. انسان در مسیر زندگی، دکتر محمد مجد، ص ۵۱۹ (اقتباس).

۴. ذاریات/ ۵۶.

۵. جن/ ۱۸.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۰۰۸.

۷. همان.

۸. جمعه/ ۲.

۹. بحارالأنوار، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۳۵.